

توزیع درآمد، در یکی از مباحث قدیمی اقتصاد سیاسی از اهمیتی اساسی برخوردار است. منظور این است که درآمد حاصل از تولید چگونه میان عوامل تولید تقسیم می‌گردد یا هر یک از بخش‌های اقتصادی چه میزان سهم می‌برند. توزیع نابرابر عوامل تولید طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد. بنابراین باید قبل از تولید به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد عوامل تولید به صورت عادلانه و برابر میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع گردد. روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری میزان توزیع درآمد موجود است که از آنجمله:

۱ - توزیع درآمد برحسب ابعاد

۲ - توزیع درآمد مبتنی برعوامل تولید

۳ - توزیع مقداری درآمد.

۴ - توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز

۵ - ضرایب جینی و مقیاس‌های نابرابری درآمد

بنابر برخی از نظریات اقتصادی توزیع نابرابر درآمد یکی از شروط اصلی رشد اقتصادی می‌باشد و دلیلشان هم این است که نیازهای قشر پایین اجتماع اشباع شدنی نیست و چنانچه توزیع درآمد برابر باشد قشرهای پایین تمامی درآمد خود را صرف خرید کالا می‌کنند در صورتی که قشرهای بالا نیازهای اولیه خود را برطرف نموده و مازاد درآمدشان را پس انداز مینمایند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد رشد اقتصادی تسریع می‌گردد. اما مخالفان این نظریه می‌گویند که:

اول؛ تجربه در کشورهای توسعه نیافته نشان داده‌است که ثروتمندان این جوامع اضافه درآمد خود را به جای پس انداز نمودن صرف خرید کالاهای تجملاتی و لوکس می‌کنند.

دوم؛ درآمد کم فقرا باعث ضعف جسمانی و کاهش بهره‌وری کاری ایشان می‌گردد و این خود باعث کاهش میزان تولید و در نتیجه کاهش درآمد ملی می‌شود.

سوم؛ افزایش درآمد فقرا باعث افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری ساخت داخل می‌گردد که این امر به نوبه خود باعث افزایش اشتغال و تولید می‌گردد. چهارم؛ توزیع برابر درآمد باعث افزایش انگیزه‌های روانی افراد برای مشارکت در توسعه اقتصادی می‌شود و دولت می‌تواند از چهار راه برای توزیع مناسب درآمد اقدام کند:

۱ - تغییر توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید که از طریق تغییر قیمت‌های نسبی عوامل تولید ایجاد می‌شود.

۲ - تعدیل توزیع مقداری درآمد از طریق توزیع مجدد دارایی‌ها.

۳ - کاهش توزیع مقداری درآمد در سطوح بالا که از طریق وضع مالیات‌های تصاعدی بر درآمد و ثروت بدست می‌آید.

۴ - افزایش توزیع مقداری درآمد در سطوح پایین اجتماع از طریق پرداخت‌های انتقالی به صورت مستقیم یا تأمین

کالاهای ضروری و خدمات اساسی.

۱ - سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت کمترین تأثیر را بر گسترش فقر و نابرابری دارد.

۲ - تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل، باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد می‌گردد و سیاست‌های جاری دولت نسبت به اهداف برنامه، تأثیر کمتری بر افزایش نابرابری درآمد دارد.

۳ - شاخص نسبت افراد فقیر و شکاف درآمدی نشان می‌دهد که تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل در مقایسه با اجرای اهداف برنامه، به رغم بهبود در نابرابری توزیع درآمد، فقر را گسترش می‌دهد و اگر اهداف برنامه به‌طور کامل اجرا می‌شد، فقر بیشتر از زمان اجرای سیاست‌های جاری گسترش می‌یافت.

۴ - شاخص‌های سن و فوستر، گریر، توربک به دلیل اینکه اثر توزیع درآمد و فقر را به‌طور هم‌زمان در نظر می‌گیرد، نشان می‌دهد که سیاست‌های جاری دولت نسبت به سیاست‌های برنامه تأثیر کمتری بر افزایش فقر دارد. تأخیر در اجرای سیاست‌های برنامه، باعث کاهش فقر می‌شود



توزیع عادلانه درآمد همواره از مهمترین مباحث در اقتصاد کشورهای مختلف جهان بوده است.

بر مبنای این اصل با اهمیت اقتصادی بود که مکاتب مختلفی از قبیل کمونیست و سوسیالیست و غیره در جهان ایجاد شد.

در سالهای اخیر و بعد از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان چگونگی توزیع درآمد بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت زیرا در دنیای امروزی بزرگترین عامل ایجاد کننده فقر نه کمبود درآمد بلکه توزیع ناعادلانه آن است.

در تعریف عامینه توزیع عادلانه و ناعادلانه درآمد می‌توان گفت: "در صورتیکه یک فرد در جامعه تمامی درآمد را در اختیار داشته باشد توزیع درآمد ناعادلانه‌ترین وضع ممکن است و زمانیکه تمامی افراد به یک نسبت از کل درآمد جامعه بهره‌مند شوند عادلانه‌ترین حالت وجود دارد".

امروزه حرف مطرح شده در جهان یکسان بودن سهم تمامی گروهها از درآمد کشور نیست بلکه مساله مهم توزیع عادلانه بر مبنای توانایی های افراد مختلف است که می تواند به ایجاد توازن و تعادل بیشتر در جامعه بیانجامد.

طبق موازین علمی تقسیم درآمد در یک کشور باید به نحوی باشد که سهم بیشتری از مردم در طبقه متوسط جای بگیرند. در یک جامعه متعادل شمار ثروتمندان و فقیران در کشور بسیار کم است زیرا وجود گروههای بسیار پردرآمد یا بسیار کم درآمد نشان دهنده توزیع نامتناسب ثروت در آن منطقه است.

برای محاسبه میزان عدالت در توزیع درآمد از سهم درآمدی که هر یک از گروههای جامعه بدست می آورند استفاده می شود. اگر فاصله بین درآمدی که ده درصد پایین ترین گروه جامعه بدست می آورند با درآمد ده درصد از ثروتمندترین افراد تفاوت زیادی داشته باشد نشان دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است.

طبق آخرین آمار ارائه شده توسط ایران به صندوق بین المللی پول که برای سال 1998 میلادی است 10 درصد از فقیرترین افراد جامعه به 2 درصد از درآمد جامعه و 10 درصد از ثروتمندترین ها به 33/7 درصد از درآمد جامعه دسترسی داشتند. در این سال 20 درصد فقیرترین های ایران تنها به 5 درصد ثروت و 20 درصد از ثروتمندترینها به 49/9 درصد از درآمد دسترسی داشتند.

#### ضریب جینی

امروزه یکی از شاخصهای بسیار با اهمیتی که برای مطالعه نحوه توزیع درآمد در یک کشور مورد استفاده قرار می گیرد شاخص جینی یا ضریب جینی است.

ضریب جینی مرسوم ترین راه اقتصادی برای تعیین برابری توزیع درآمد در یک منطقه یا کشور است .

ضریب جینی عددی بین صفر و یک است و هر چه این ضریب به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده برابری و عدالت بیشتر و هر چه به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده نابرابری بیشتر است.

به عبارت دیگر ضریب جینی کوچک نشان می دهد که تمامی افراد جامعه تقریباً از سطح درآمد یا ثروت یکسانی برخوردار هستند در حالیکه ضریب یک نشان می دهد یک نفر تمامی ثروت را در اختیار دارد و سهم مابقی از ثروت تقریباً صفر است.

طبق آمارهای موجود عادلانه ترین توزیع درآمد در کشور ژاپن است. ضریب جینی در این کشور در سال 2007 میلادی برابر با 0.249 و

شاخص جینی 24 بوده است در حالیکه در نامیبیا که ناعادلانه ترین توزیع درآمد وجود داشت ضریب جینی برابر با 0.707 و شاخص جینی 70 بود.

در محاسبات اقتصادی برای استفاده آسانتر از این ضریب آن را در عدد 100 ضرب می کنند و به جای ضریب جینی از شاخص جینی استفاده می کنند. این شاخص که بین صفر تا صد است نیز همان کارایی ضریب جینی را دارد.

طبق آخرین اخبار موجود در مورد ایران که در سال 1998 میلادی به سازمان ملل متحد ارائه شد شاخص جینی در کشور ایران برابر با 43 بوده است. اما سازمان ملل در گزارشهای اخیر خود پیش بینی کرد شاخص جینی در ایران در سال 2008 میلادی به بیشتر از 58 درصد برسد زیرا طی سالهای اخیر توزیع درآمد در کشور تغییر کرده است.

در این سالها نرخ فقر در کشور بیشتر از 25 درصد اعلام شد که با توجه به رشد قیمتها در سالهای اخیر و رشد کمتر دستمزدها در ایران انتظار می رود در سال جاری بر شمار افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند افزوده شود و شاخص جینی به سمت 100 حرکت کند.

در زیر جدول ارائه شده توسط صندوق بین المللی پول را می بینید. شایان ذکر است به این دلیل که آمارهای سالهای مختلف است نمی توان کشورها را با هم مقایسه کرد. سهم گروههای مختلف از کل درآمد کشور در این جدول آمده است. سهم به صورت درصد از کل درآمد جامعه است .

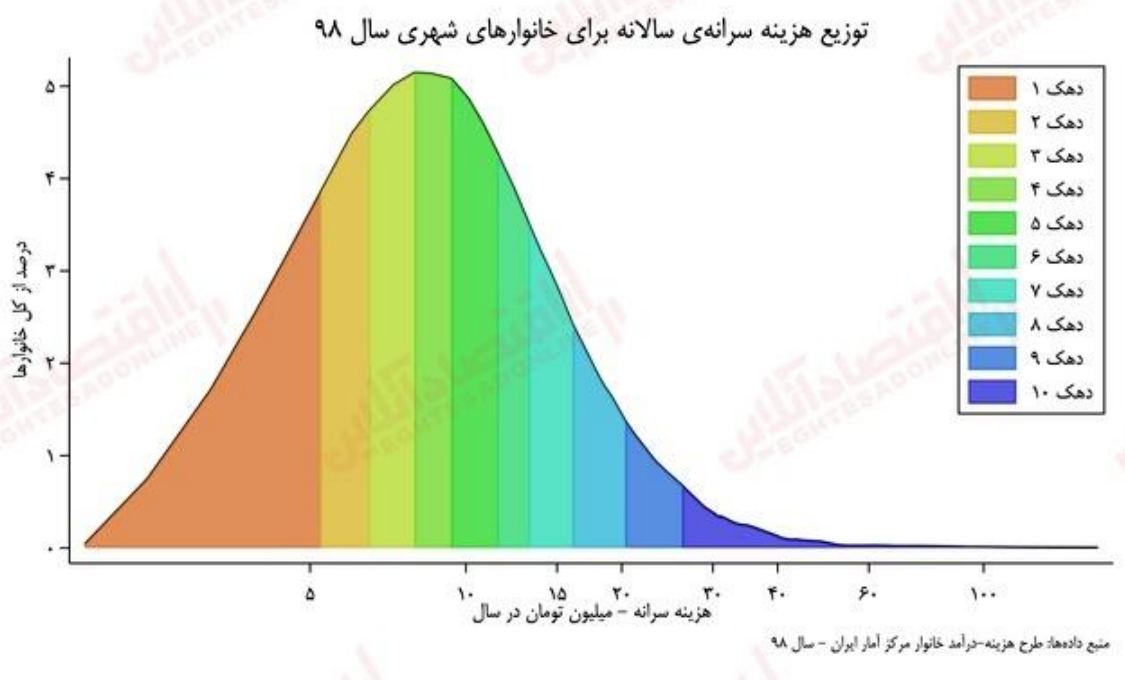
بر مبنای آمار مرجع رسمی آمار در کشور، در سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ماقبل به جز دهک چهارم و دهم سهم سایر دهکها از ثروت تغییر چندانی را تجربه نکرده است. در سال گذشته، دهک چهارم ۸ درصد از درآمد کل خانوارهای کشور را در اختیار داشته است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۳، حدود ۷ درصد از درآمدها در اختیار این دهک بوده است. سهم دهک دهم (دهک ثروتمند) نیز در سال ۱۳۹۴ با یک واحد درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۹۳ به حدود ۳۱ درصد رسیده است. بر مبنای دادههای ارائه شده، در سال گذشته دهک ثروتمند حدود ۱۲ / ۶۵ برابر دهک فقیر هزینههای مصرفی داشته است که این نسبت در مقایسه با سال پیشین، حدود ۲ / ۰ واحد افزایش یافته است. همچنین مقدار عددی این نسبت در مقایسه با میانگین خود طی ۵ سال منتهی به زمان گزارش شده، ۶ / ۰ واحد بیشتر بوده است. متوسط این نسبت در بازه زمانی ۶ ساله ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ حدود ۱۲ / ۰۵ بوده است.

بر مبنای آمار مرکز آمار ایران در سال گذشته دو دهک اول (یعنی ۲۰ درصد فقیر جامعه) سهم ۶ درصدی از مجموع هزینه ناخالص صورت گرفته در کشور را در اختیار داشتهاند، این در حالی است که سهم ۲۰ درصد ثروتمند جمعیت از مجموع هزینه ناخالص، ۴۷ درصد بوده است. نسبت هزینههای دو دهک ثروتمند به هزینههای دو دهک فقیر، در سال گذشته حدود ۴ / ۷ بوده است که حدود ۱۴ / ۰ واحد افزایش را نشان می دهد. این در حالی است که طی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ مقدار میانگین این نسبت حدود ۲ / ۷ واحد بوده است. همچنین در سال گذشته سهم هزینه ناخالص نیمه ثروتمند جامعه در مقایسه با نیمه فقیر جامعه ۸ / ۳ برابر بود که نسبت به سال ماقبل تغییری نکرده است.

بر اساس آمار گزارش شده از سوی مرکز آمار، در سال گذشته در میان استانهای مختلف، استان یزد دارای کمترین مقدار ضریب جینی با مقدار عددی ۲۶ / ۰ واحد بود. همچنین در سال گذشته در مقایسه با سال ۱۳۸۹ مقدار عددی ضریب جینی تنها در دو استان یزد و سمنان کاهش یافته است. بیشترین مقدار ضریب جینی گزارش شده در سال ۱۳۹۴ نیز همانند سال ۱۳۹۳ مربوط به استان تهران است که نشان می دهد شکاف درآمدی در تهران در مقایسه با دیگر نقاط کشور، شدیدتر بوده است. همچنین بر مبنای آمار ارائه شده طی ۵ سال گذشته نحوه توزیع

درآمد در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری عادلانه‌تر بوده است. مقدار میانگین این شاخص طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در مناطق روستایی ۰/۳۴ واحد گزارش شده است. این در حالی است که این مقدار در مناطق شهری حدود ۰/۰۲ واحد بیشتر بوده است. همچنین در سال گذشته سهم دهک ثروتمند شهری از مجموع هزینه ناخالص، حدود ۱۰/۶ برابر سهم دهک فقیر شهری بوده است. این در حالی است که این نسبت در مناطق روستایی حدود ۹/۴ واحد گزارش شده است

در بسیاری از کشورها شاخص جینی با استفاده از دو مقدار عددی مشخص می‌شود: ضریب جینی پیش از کسر مالیات و ضریب جینی پس از کسر مالیات. مقدار تفاوت این دو عدد می‌تواند به‌عنوان شاخصی از میزان تاثیرگذاری مالیات بر برقراری عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال در سال ۲۰۱۴ مقدار ضریب جینی کشور آمریکا پیش از کسر مالیات برابر با ۰/۴۸ بوده است، اما این شاخص پس از کسر مالیات معادل ۰/۰۹ واحد کاهش یافته است. در ایران به علت نبود شفافیت در پرداخت مالیات و محدودیت‌های موجود، ضریب جینی پس از کسر مالیات علاوه بر محدودیت در محاسبه، اعتبار آماری کمتری دارد. بر مبنای آمارهای ارائه شده از سوی «بانک جهانی» مقدار ضریب جینی در سال ۲۰۱۴ در کشورهای مختلف جهان بین ۲۵ تا ۶۳ درصد متغیر بوده است. کمترین میزان ضریب جینی مربوط به کشورهای اسکاندیناوی و بیشترین میزان آن مربوط به کشورهای جنوب آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی است. کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند که ضریب جینی در انعکاس وضعیت عدالت اجتماعی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. از منظر این کارشناسان ضریب جینی بیانگر چگونگی مساوات در توزیع دستمزد و درآمد است، در حالی که عدالت اجتماعی به معنای توزیع درآمد و ثروت متناسب با میزان اثرگذاری افراد در تولید ناخالص داخلی است. از این رو کارشناسان به سیاست‌گذار توصیه می‌کنند از اتکای صرف به ضریب جینی به‌عنوان شاخصی از عدالت اجتماعی خودداری کنند. به خصوص اینکه در ایران، به دلیل نبود آمارهای درآمدی قابل اطمینان، داده‌های ضریب جینی نه از درآمد افراد که از هزینه‌های آنها استخراج می‌شود که اعتبار کمتری برای محاسبه توزیع درآمدی دارد.



ز مهمترین وظایف اقتصادی دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد است، به این ترتیب دولت‌ها باید به منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات درآمدهای افراد جامعه را با استفاده از ابزارهای موجود، تجزیه و تحلیل کنند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاست‌های پولی و مالی بر تغییرات توزیع

درآمد جامعه در طول زمان مؤثر است. عواملی مانند سیاستهای مالیاتی، مخارج دولت، نوع درآمد، تبعیض قیمتها، کمکهای انتقالی دولت، حداقل دستمزد، نرخ بیکاری، تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد و غیره میتوانند به نحوی تنظیم شوند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان و گاه برعکس شود. مالیات علاوه بر آنکه از مهمترین منابع تأمین مخارج دولت است، یکی از ابزارهای سیاستی مؤثر در برقراری ثبات اقتصادی، تخصیص مجدد منابع اقتصادی و تعدیل نابرابری درآمد است. لذا هدف از این مقاله به طور خاص، بررسی اثر سیستم مالیاتی بر توزیع درآمد است و در کنار بررسی اثر مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، عواملی همچون نرخ بیکاری و حداقل دستمزد نیز مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با افزایش مالیاتهای مستقیم و سطح حداقل دستمزد، کاهش مالیاتهای غیرمستقیم و نرخ بیکاری، توزیع درآمد بهبود مییابد.

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزههای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از اینرو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است. سیاستهای مالی دولت قطعاً میتواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت میتواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروههای مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاستها می تواند از طریق اعمال مالیاتها یا برقراری مخارج انتقالی دولت مثل سوبسیدها (مالیات های منفی)، کمکهای بلاعوض و یا افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد باشد.

موضوع حدود و میزان دخالت دولت در اقتصاد از جمله موضوعاتی است که در مکاتب مختلف اقتصادی مورد بحث بوده و بخش زیادی از جدالها و مباحث صاحب نظران اقتصادی در دورههای مختلف را به خود اختصاص داده است و با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف نظریات هر یک از مباحث دوره زمانی خاصی مقبول و مورد استفاده بوده است.

اقتصاد ایران از اوایل دهه 1350 با افزایش درآمدهای نفتی رو به رو گردید که منجر به حضور پررنگتر دولت در اقتصاد به منظور دستیابی به رشد رو به تزاید و توسعه پایدار شد ولی بعدها موضوع تعدیل اقتصادی، کوچکسازی دولت و خصوصی سازی شرکتهای دولتی در رأس برنامه های دولت قرار گرفته است. از طرفی بهبود توزیع درآمد در هر کشور می تواند به ثبات اقتصادی و سیاسی کمک کند و از اهداف سیاستگذاران اقتصادی است. نا متعادل بودن توزیع درآمد اگرچه ممکن است در کوتاه مدت نمودی عینی در مسائل روزمره کشور نداشته باشد ولی در بلندمدت می تواند موجب فقر گسترده و تشویشهای سیاسی گردد و تغییر در توزیع درآمد ممکن است توسط دولت به طور غیر مستقیم و در بلندمدت از طریق اقداماتی نظیر اصلاح در نظام مالکیت ارضی، به کار بستن سیاست اشتغال یا سیاست قیمتها به وجود آید یا ممکن است از طریق هزینه های دولتی و مالیات بندی صورت گیرد و از طرفی افزایش مالیاتها و استقراض دولت برای تأمین مالی هزینه هایش موجب کاهش منابع مالی و نیز کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری و بزرگ شدن بیش از اندازه دولت می شود.

از اهداف مهم دولتها و سیاستگذاران نظام اقتصادی هر کشور، تالش برای توزیع مطلوب درآمد است. توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات جدی در حوزههای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهد شد. نامتعادل بودن توزیع درآمد در جامعه از جمله مشکلاتی است که در کوتاه مدت اگرچه ممکن است نمودی عینی در مسائل روزمره کشور نداشته باشد، ولی تداوم آن در بلند مدت عالوه بر ایجاد فقر گسترده، میتواند تنشهای سیاسی ایجاد کند و منجر به بروز بحرانها و به خطر افتادن جدی امنیت سرمایهها و ثروتهای متراکم شود.

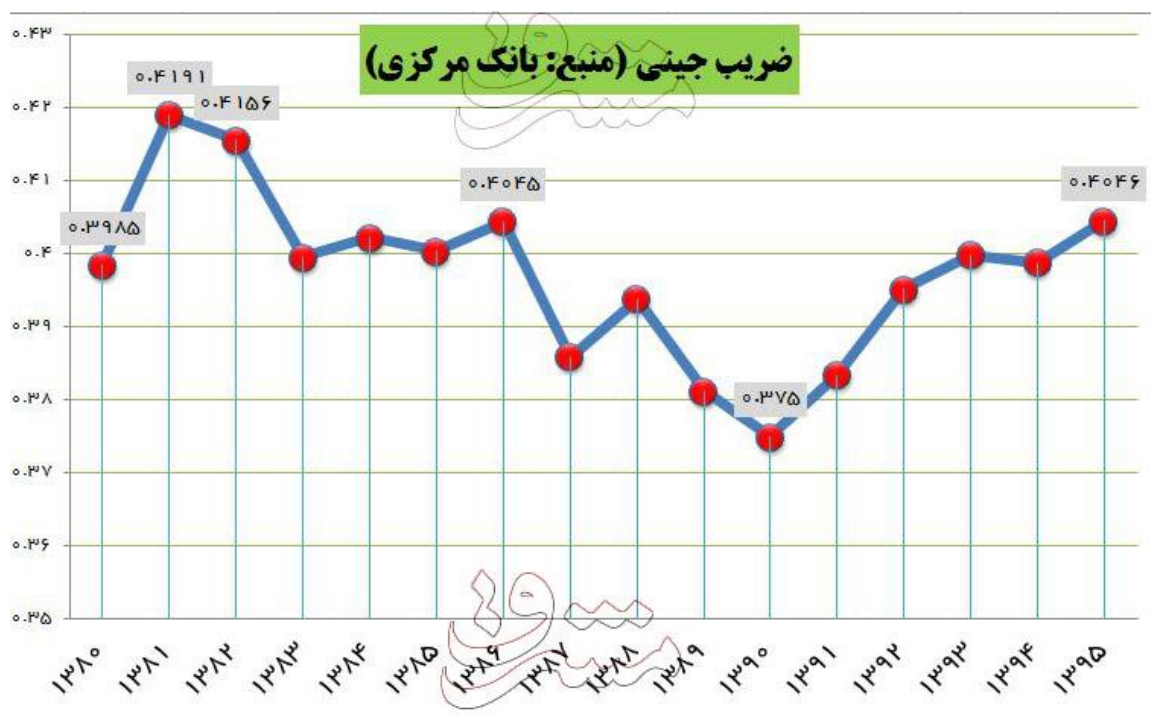
سیاست های مالی دولت قطعاً میتواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. در اکثر کشورهای توسعه یافته، سیاستهای توزیعی دولت، از طریق سیاستهای مالیاتی صورت میگیرد. بدین صورت که دولت برای بهبود توزیع درآمد، مالیات بیشتری از گروههای بالای درآمدی دریافت کرده و با افزایش درآمدهای مالیاتی، خدمات بیشتری را به صورت تأمین اجتماعی در اختیار گروههای فقیر جامعه قرار میدهد.

این سیاست در یک روش باز توزیعی از گروههای بالای درآمدی به گروههای پایین درآمدی است و میتواند نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد و کمک به اقشار محروم ایفا کند. به عبارت دیگر، دولت میتواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود، یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاستها میتواند از طریق اعمال مالیاتها و یا افزایش تسهیالت مالی برای افراد کم درآمد باشد. حال این سؤال مطرح است که سیستم مالیاتی ایران تا چه اندازه در تحقق این موضوع مؤثر بوده است. بنابراین هدف از این مقاله بررسی تحقق بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیاتها خواهد بود.

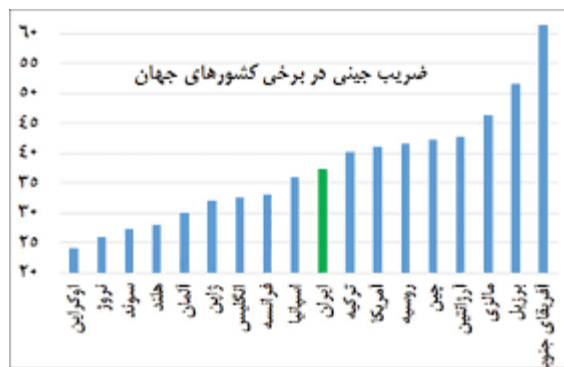
قسمتهای مختلف این مقاله به شرح زیر است: بخش اول به بررسی مقدماتی رابطه مالیات و توزیع درآمد میپردازد. در بخش دوم به مبانی نظری موضوع به اختصار اشاره میگردد. بخش سوم به مطالعات انجام شده در این زمینه در داخل و خارج ایران اختصاص دارد. بخش چهارم به تصریح مدل و تحلیل نتایج با استفاده از تکنیک اقتصاد سنجی آستانهای میپردازد. در نهایت، بخش پایانی به نتیجهگیری و توصیههای سیاستی اختصاص دارد.

نقش روستا در تأمین امنیت غذایی، صادرات غیرنفتی، تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و

درآمد باعث شده است که برنامه‌هایی جهت تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد مناطق روستایی، طرح‌ریزی و اجرا شود. از جمله سازوکارهای مناسب برای توسعه پایدار مناطق روستایی با هدف ارتقای درآمد و توزیع برابر آن، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمرانی است. با توجه به اهمیت و نقش کلیدی سرمایه‌گذاری دولت در برنامه‌های کاهش نابرابری، در این مطالعه با استفاده از داده‌های سری زمانی فصلی در طول دوره 1369 تا 1393 برای 99 متغیر اقتصاد کلان، اثر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت بر توزیع درآمد روستایی ایران، با بکارگیری روش خودرگرسیون برداری عامل افزوده (FAVAR) مورد بررسی قرار گرفته است. توابع واکنش آنی حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به اندازه یک انحراف معیار در مخارج عمرانی دولت، پس از هفت فصل، منجر به کاهش ضریب جینی و بهبود توزیع درآمد در مناطق روستایی میشود. همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد که شوک مخارج عمرانی بعد از فصل چهارم بیشترین سهم از تغییرات مربوط به ضریب جینی مناطق روستایی را به خود اختصاص داده است که این امر اهمیت موضوع هزینه‌های عمرانی در توزیع درآمد را نشان میدهد .







مالیات به عنوان یکی از کلیدی‌ترین سیاست‌های مالی دولت در دوران رهاسازی اقتصاد از وابستگی به درآمدهای نفتی از جمله دوره جنگ، تحریم اقتصادی و قرارگیری در مسیر اقتصاد مقاومتی مطرح بوده و کارآمدی آن نقش بسزایی در فرایند توسعه کشور به خصوص بهبود شرایط توزیع درآمد دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی اثر کارآمدی انواع مالیات بر مصرف و درآمد بر بهبود پاره‌تویی توزیع درآمد کشور، با استفاده از تجزیه تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (LS) برای سال‌های 1351 الی 1391 است. نتایج این مطالعه نشان داد که طی سال‌های مورد بررسی، متغیرهای تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی باعث افزایش ضریب جینی و نابرابرتر شدن وضعیت توزیع درآمد و متغیرهای درآمد مالیاتی، نرخ باسواد، مربع تولید ناخالص داخلی، نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری دولت باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده‌اند. همچنین مشخص گردید که متغیر مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد با یک وقفه، مالیات بر مصرف و مالیات بر مصرف با یک وقفه اثر معناداری بر ضریب جینی داشته و باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده‌اند. همچنین مطالعه حاضر فرضیه کوزنتس را مورد تأیید قرار می‌دهد. دهد. مالیات به عنوان یکی از کلیدی‌ترین سیاست‌های مالی دولت در دوران رهاسازی اقتصاد از وابستگی به درآمدهای نفتی از جمله دوره جنگ، تحریم اقتصادی و قرارگیری در مسیر اقتصاد مقاومتی مطرح بوده و کارآمدی آن نقش بسزایی در فرایند توسعه کشور به خصوص بهبود شرایط توزیع درآمد دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی اثر کارآمدی انواع مالیات بر مصرف و درآمد بر بهبود پاره‌تویی توزیع درآمد کشور، با استفاده از تجزیه تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (LS) برای سال‌های 1351 الی 1391 است. نتایج این مطالعه نشان داد که طی سال‌های مورد بررسی، متغیرهای تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی باعث افزایش ضریب جینی و نابرابرتر شدن وضعیت توزیع درآمد و متغیرهای درآمد مالیاتی، نرخ باسواد، مربع تولید ناخالص داخلی، نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری دولت باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده‌اند. همچنین مشخص گردید که متغیر مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد با یک وقفه، مالیات بر مصرف و مالیات بر مصرف با یک وقفه اثر معناداری بر ضریب جینی داشته و باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد شده‌اند. همچنین مطالعه حاضر فرضیه کوزنتس را مورد تأیید قرار می‌دهد.